

بازتاب اخلاقیات زردشتی در اندرزهای حکیم ناصر خسرو

نفیسه مرادی^۱، فرهاد اصلانی^۲



تاریخ دریافت: ۹۵/۰۸/۲۲

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۰/۲۹

تقدیم به استاد مهدی محقق، به پاس نیم قرن ناصر خسرو پژوهی

چکیده

این مقاله سعی در تبیین این موضوع دارد که حکیم ناصر خسرو، در بیان دیدگاه‌های اخلاقی خود، که نمود آن‌ها را بیش از همه در اندرزهای وی می‌توان دید، از آموزه‌های اخلاقی زردشتی تأثیر پذیرفته است. تأثیر پذیری وی از ادبیات فارسی میانه و آیین زردشتی، محدود به اندرزهای اخلاقی نبوده است، بلکه رسوب این مضامین در کنه ضمیر وی، در ساختار زبانی و فکری آثارش نیز نمود یافته است. در این پژوهش، با توجه به ضرورت بررسی تأثیر زبان و ادبیات پهلوی بر آثار شاعران و نویسندگان قرون نخستین اسلامی و اهمیت این تأثیر در خوانش و تحلیل دقیق‌تر متون دوره‌ی اسلامی و با توجه به این‌که نفوذ زمینه‌های فکری و زبانی ادبیات فارسی میانه در آثار دوره‌ی اسلامی اغلب توسط پژوهشگران نادیده گرفته شده است؛ به بررسی تطبیقی اندرزهای حکیم ناصر خسرو و متون اخلاقی زردشتی با تکیه بر متن کتاب ششم دینکرد، که در واقع چکیده‌ی اندرزنامه‌های زردشتی است، پرداخته شده و با تحلیل شباهت‌های این دو اثر در دستگاه فکری و فلسفی و در بیان دیدگاه‌های اخلاقی، به این نتیجه دست یافته‌ایم که حکیم ناصر خسرو، در سرایش اندرزها، تحت تأثیر و وامدار ادبیات و آیین زردشتی بوده است.

کلید واژه‌ها: ناصر خسرو، اندرزها، دینکرد، اخلاق زردشتی.

۱ - دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران. Nafiseh.moradi@gmail.com

۲ - کارشناس ارشد تاریخ ایران باستان. Farhadaslani98@gmail.com

مقدمه

در هر اثر ادبی و جز آن می‌توان برآیندی از آثار پیش از آن را مشاهده کرد، به خصوص که آثار پیش از آن به گونه‌ای خاص در ردیف آثاری با ویژگی‌ها و مؤلفه‌های مشخص و متمایزی درآمده باشند. با فاصله گرفتن از عصر ساسانی و آغاز دوره‌ی اقبال به عربی‌نویسی و عربی‌دانی در زبان و گرایش به پرداختن به آموزه‌های اسلامی در حوزه‌ی محتوای آثار ادبی، ادبیات عصر پیش از اسلام ایران، ادبیات ایران باستان نام گرفت که شامل روایات پیش از اوستا، اوستا، ادبیات پهلوی، آیین‌نامه‌ها، گاهنامه‌ها و کتب مذهبی پهلوی است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از؛ دینکرد، بندهش، داستان دینیک، ارداویراف‌نامه، مینوی خرد و گزیده‌های زادسپرم. روایات و داستان‌های ملی و حماسی مربوط به ایران باستان، در شاهنامه‌ی فردوسی، گشتاسپ‌نامه‌ی دقیقی و دیگر آثار حماسی عهد اسلامی، گاه به تمامی و گاه با تغییراتی تکرار شده است. اما مضامین صرفاً اخلاقی و نه روایی و داستانی عهد باستان که در آثاری با صبغه‌ی مذهبی بیش‌تر وجود داشتند نیز با انقراض پادشاهی ساسانیان، به یکباره از میان رفتند بلکه تا قرن‌ها بعد ردپای رهنمودهای دینی زردشت را، که محتوای آثاری چون دینکرد و مینوی خرد است، می‌توان در آثار نویسندگان و شاعران عهد اسلامی دید. در ادبیات عرب نیز، آثاری که به تقلید از اندرزنامه‌ها و پندنامه‌های پهلوی پدید آمدند به کتب الادب معروف شدند. (محمدی ملایری، ۱۳۷۴: ۳۰۸) طبیعی است که تأثیرپذیری شاعران و نویسندگان مناطقی از ایران که مهد زبان دری بوده، از آثار عهد ایران باستان، بیش‌تر و این تأثیرپذیری در آثار آنان آشکارتر است. ناصر خسرو، در سال ۳۹۴ هجری قمری در قبادیان از نواحی بلخ متولد شد؛ «از ابتدای جوانی به تحصیل علم و ادب پرداخت و به گفته‌ی خود تقریباً در اکثر علوم متداوله‌ی نقلی و عقلی صاحب نظر بود؛

نماند از هیچ‌گون دانش که من زان/ نکردم استفادت بیش و کمتر.» (یوسفی، ۱۳۷۰: ۳۳)

وی که از یک خاندان دهقانی برخاسته بود به نسب ایرانی خود افتخار می‌کرد (محقق، ۱۳۷۴: ۳۲۸) و با تفاخر، تعبیر آزادگان یعنی ایرانیان را به کار برده است:

تن پاک فرزند آزادگانم نگفتم که شاپور بن اردشیرم
(۱۳۷۴: ۴۴۶)

حکیم ضمن تفاخر به نسب ایرانی خویش، در دیوان خود بارها به مآثر گذشته‌ی دور اشاره می‌کند و سفارش می‌کند که کتاب شاهان عجم در دست گیرند و سخنان شهریاران باستان را بخوانند. (برتلس، ۱۳۴۶. ۱۸۳)

ناصر خسرو از نظر سرودن قصایدی که منحصرأ به موضوع پند و اندرز و حکمت، اختصاص دارد اندیشمندی یگانه و در ادب فارسی بی‌نظیر است و نمونه‌های درخشان‌ترین و استوارترین اندرزهای فارسی در قصاید او آمده است. (مزدایور، ۱۳۸۶: ۷۰)

در اندرزهای حکیم ناصر خسرو، که سرشار از مضامین و پندهای اخلاقی است، به آموزه‌هایی برمی‌خوریم که مطابقت و شباهت آن‌ها با مضامین اخلاقی دینکرد ششم و برخی دیگر از آثار مذهبی زردشتی، از جمله مینوی خرد، آشنایی حکیم ناصر خسرو با آموزه‌های اخلاقی زردشتی و تأثیرپذیری او از آن‌ها را نشان می‌دهد و خود حکیم نیز در ضمن قصایدش، با اشاره به آشنایی خویش با تاریخ عهد باستان، به خود می‌بالد که توفیعات کسری انوشیروان را خوانده است:

بخواندم پاک توفیعات کسری بخواندم عهد کیکاووس و نوذر
(۱۳۷۴: ۵۳۵)

ناصر خسرو، برای تأکید بر شهرت خود در روزگارش، به یکی از سه آتشکده‌ی معروف عهد ساسانی در ناحیه‌ی خراسان اشاره می‌کند:

بر من گذر یکی که به یمگان در مشهورتر ز آذر برزیم
(۱۳۷۴: ۱۳۶)

اخلاقیات زردشتی در دینکرد

دینکرد، مهم‌ترین و جامع‌ترین کتاب پهلوی است که به ما رسیده است و دارای نه مجلد، که اکنون دو مجلد آن در دست نیست. نام اصلی کتاب، زند آکاسیه بوده است و مجموعه‌ی بزرگی است از اطلاعات دینی، عادات و عقاید، روایات، تاریخ و ادبیات مزدیسنا. (صفا، ۱۳۸۹: ۵۱)

کتاب دینکرد و به طور خاص دینکرد ششم که مورد بررسی در این پژوهش است، در واقع گنجینه‌ای از اندرزهای دینی است. تفضلی در توصیف دینکرد چنین می‌گوید که: «برخلاف اغلب اندرزهای دینی که بر آداب و اجرای مراسم تکیه دارند، در این دفتر بر اندیشه و تفکر دینی تأکید شده است. بیش‌تر اندرزهای آن، نه به اندرزگویی خاص، که به پوریوتکیشان و دانایان منسوب است. بعضی از اندرزها به شخصیت‌های دوره‌ی ساسانی مانند خسرو انوشیروان، آذرباد مهرسپندان، آذر نرسه، بخت‌آفرید و آذرباد زردشتان نسبت داده شده است. (تفضلی، ۱۳۸۶: ۱۳۵) پژوهشگران مختلف دسته‌بندی‌های متفاوت اما کمابیش مشابهی را برای محتوای موضوعی متون اخلاقی و اندرزنامه‌های زردشتی برشمرده‌اند؛ از آن جمله دسته‌بندی محتوایی قادری و نیز میرفخرایی در دیباچه‌ی بررسی دینکرد ششم است که موضوعات گفتارهای این نوع متون را به ترتیب در این دسته‌ها قرار می‌دهند؛ خرد و دانایی، فرهنگ، مشورت و هم‌نشینی با دانایان و نیکان، اعتقادات دینی، پیمان (اعتدال)، فره‌بود و ابی‌بود (افراط و تفریط)، صفات نیک و بد، درویشی (فقر) در مفهوم بد و خوب آن. (قادری، ۱۳۷۷: ۲۲۱-۲۳۱).

مطابقت گفتارهایی از آموزه‌های دینکرد و دیگر متون زردشتی و اندرزهای حکیم ناصر خسرو

خرد و دانایی

یکی از مضامین اصلی اندرزهای ناصر خسرو و به طور کلی آثار وی، خرد است.

خرد که دارای یک مقدمه و شصت و دو پرسش و پاسخ است، پرسش‌ها از جانب شخصیتی خیالی که «دانا» نامیده شده است، مطرح می‌شوند و «مینوی خرد» (روح عقل) به آن‌ها پاسخ می‌دهد (تفضلی، ۱۳۹۱: ۱۱) و اساس کتاب در ستایش خرد و خردورزی نوشته شده است. در دینکرد ششم نیز، گفتارهای بسیاری به این موضوع اختصاص یافته است و همواره از سه گروه خردمندان، کم‌خردان و بی‌خردان یاد شده است؛ «من علت ایجاد همه چیز هستم. همه چیز از من نشأت می‌گیرد. خردمندان سرشار از عشق با داشتن چنین باوری مرا می‌پرستند.» (میرفخرایی، ۱۳۹۳: ۱۴۷) «اما این بهره‌ی این کم‌خردان پایان‌پذیر است؛ پرستندگان خدایان به سوی خدایان می‌روند، اما پرستندگان من به سوی من می‌آیند.» (همان: ۱۲۴) «بی‌خردان چون ذات والا، تغییرناپذیر و برترین مرا نمی‌شناسند، مرا که ناپیدایم، به دست آورده‌ی (دارای) شکل مرئی تصور می‌کنند.» (همان: ۱۲۴) و در گفتارهایی به طبقه‌بندی انواع خرد پرداخته شده؛ خرد نیک، خرد عشق‌زده و خرد تاریکی‌زده. (همان: ۲۲۴-۲۲۵) و هم چنین در متن اندرزه‌ی پیشینیان آمده است؛ «دردمند کسی است که خرد ندارد.» (جاماسب آسانا، ۱۳۷۱: ۸۴، بند ۱) در ستایش دانش و دانایی نیز در اندرزه‌ی حکیم ناصر خسرو و گفتارهای دینکرد، به تکرار سخن رفته است؛

ز دانش یکی جامه کن جانت را که بی‌دانشی مایه‌ی کافری ست
(۱۳۷۴: ۱۱۰)

در دینکرد ششم چنین می‌خوانیم؛ «به راستی که در جهان پالایه‌ای برابر با دانش یافت نمی‌شود. آن‌که از طریق روش کردار به کمال رسیده، خود در طی زمان این را در خود می‌یابد.» (میرفخرایی، ۱۳۹۳: ۹۶) و در تشویق دانش اندوزی و کسب فرهنگ در اندرز آذرباد مهرسپندان آمده است؛ «زن و فرزند را جدا از فرهنگ به مهل که تو را تیمار و رنج گران بر نرساد، تا نشوی پشیمان.» (جاماسب آسانا، ۱۳۷۱: ۱۰۰، بند ۱۳)

شوم شخصی ست طمع زی وی اندر منشین ورن نشینی نرهد جانت از آفات و گزند
(همان: ۴۰۲)

بپیرای از طمع ناخن به خرسندی که از دستت چو این ناخن بپیرایی همه کارت بپیراید
(همان: ۴۰)

صفات نیک و بد/ بی‌آزاری

طبق آموزه‌های دینکرد، انسان گیتایی مانند خدای خود، نسبت به همه‌ی موجودات یکسان‌بین است، خود خویش را خود همه‌ی موجودات می‌داند، از خوشبختی همه‌ی موجودات شاد می‌شود، با هیچ موجودی دشمن نیست، جهانیان از او نمی‌ترسند و او از آن‌ها بیزار نیست، نسبت به موجودات حس‌ترحم دارد و حتی در کردارهایش متوجه این است که آزاری به دیگری نرسد. (۱۳۹۳: ۴۳۹) در دینکرد با انداز بدکاران مواجهیم؛ «من این انسان‌های پست، بی‌آزاری جوینده، بیرحم و بدکردار را پیوسته در چرخه‌های بازپیدایی صرفاً در رحم‌های دیوی می‌افکنم.» (همان: ۲۰۷) حکیم نیز در باب تأثیر منفی و مخرب بدکرداری بر خود شخص مرتکب، آورده است:

کز بدی‌ها خود بییچد بدکنش این نشته‌ستند در استا و زند
(۱۳۷۴: ۴۳۴)

چند ناگاهان به چاه اندر فتاد آن‌که او مر دیگری را چاه کند
(همان: ۴۳۴)

در متن اندرز آذرباد مهرسپندان نیز آمده است؛ «هر که برای رقیبان چاه کند، خود اندر آن افتد» (جاماسب آسانا، ۱۳۷۱: ۱۰۶، بند ۱۰۹) و از مشترکات عموم متون پهلوی، ارائه‌ی مطالبی در باب حسابرسی در روز جزا و پاداش به درستکاران و پادافره به بدکاران می‌باشد. (فرنبرگ دادگی، ۱۳۸۵: ۱۲۹-۱۳۱؛ تفضلی، ۱۳۹۱: ۲۴-۲۸؛ میرفخرایی، ۱۳۹۰: ۲۳۱، بند ۱۵)

به میان قـدر و جبر ره راست بجوی که سوی اهل خرد جبر و قدر درد و عناست
(همان: ۲۱)

با هر کس منشین و مبر از همگان نیز بر راه خرد رو نه مگس باش و نه عنقا
(همان: ۴)

مشورت با فرزندگان

در متون پهلوی، در رابطه با پندشنوی از فرزندگان و مشورت با نیکان، اشاراتی یافت می‌شود از جمله؛ «امور را به هم‌پرسی با نیکان باید کرد ... و برای دانایتر مرد، هم‌پرسی (مشورت) اندر باید. (ضرور است)» (شایست ناشایست، ۱۳۹۰: ۱۳۱، بند ۲۸)، پندنامه‌ی انوشیروان نیز در متن‌خردنامه چنین آغاز می‌شود؛ «بدانید و آگاه باشید و پند حکیمان را خوار مدارید.» (مزداپور، ۱۳۸۶: ۸۱) و در اندرز آذرباد مهرسپندان نیز چنین آمده است؛ «با آزادمرد کار آگاه نیک‌خصلت و زیرک هم‌پرسی کن و دوست باش.» (ماهیار نوابی، ۱۳۵۵: ۴۷۴-۴۷۵) و در این زمینه ناصر خسرو چنین سروده است؛

پند از حکما پذیر از ایراک حکمت پدر است و پند فرزند
(۱۳۷۴: ۲۳)

لیکن از راه عقل هشیاران بشناسند فرهی ز آماس
ای خردمند هوش دار که خلق بس به اسداس در زدند اخماس
(همان: ۴۳۹)

تشویق به کار و تلاش در زندگی

در اندرز پوریو تکیشان، از مؤمنان می‌خواهد که شبانه‌روز را به سه قسمت تقسیم کنند و یک بخش آن را به کار کردن و آبادانی بپردازند. (ماهیار نوابی، ۱۳۵۵: ۵۴۰). دو اندرز از انوشیروان در ترجمه‌ی تفسیر طبری ذکر شده است که یکی را بر روی پرده‌ی سرخ به خط سبز و دیگری را بر روی پرده‌ی سبز به خط سرخ نوشته بودند

بارزی دارد، حکیم ناصر خسرو قبادیانی است که قصاید او، عالی‌ترین نمونه‌های پند و اندرز در ادب فارسی محسوب می‌شود. در این پژوهش با بررسی تطبیقی مضامین برجسته‌ی اندرزهای وی و مضامین آثار مهم متون اخلاقی زردشتی، به تبیین این موضوع پرداخته‌ایم که حکیم ناصر خسرو، در ارائه‌ی مفاهیم اخلاقی در قصایدش، وامدار محتوای آثار اخلاقی زردشتی بوده است. خود حکیم نیز در متن قصاید با تفاخر به نژاد ایرانی خویش، به خواندن آثار زردشتی از جمله توقیعات کسری انوشیروان افتخار می‌کند و توصیه به خواندن کتاب شاهان عجم و سخنان شهریان باستان می‌نماید که البته این موضوع با توجه به خاستگاه ناصر خسرو و شرایط اجتماعی خراسان عصر وی و حضور جماعت زردشتی در بلخ، چندان دور از ذهن نمی‌نماید.



۱۱. ماهیار نوابی، یحیی. ۱۳۵۵. «اندرز آذرباد مارسپندان، متن پهلوی و ترجمه فارسی». مجموعه مقالات ماهیار نوابی. جلد ۱. به کوشش محمود طاووسی. شیراز: مؤسسه آسیایی دانشگاه شیراز.
۱۲. همو. ۱۳۵۵. «گزیده اندرز پوریوتکیشان». مجموعه مقالات ماهیار نوابی. جلد ۱. به کوشش محمود طاووسی. شیراز: مؤسسه آسیایی دانشگاه شیراز.
۱۳. محقق، مهدی. ۱۳۷۴. تحلیل اشعار ناصر خسرو. تهران: دانشگاه تهران.
۱۴. محقق، مهدی و کبری بستان شیرین. ۱۳۸۷. فرهنگ لغات و ترکیبات و تعبیرات دیوان ناصر خسرو. تهران: انجمن ترویج زبان و ادب فارسی.
۱۵. محمدی ملایری، محمد. ۱۳۷۴. فرهنگ ایرانی پیش از اسلام و آثار آن در تمدن اسلامی و ادبیات عربی. تهران: توس.
۱۶. مزدپور، کتایون. ۱۳۸۶. اندرزنامه‌های ایرانی. تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی.
۱۷. همو. (ترجمه). ۱۳۹۰. شایسته ناشایست. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۸. مکنزی، دیوید نیل. ۱۳۸۸. فرهنگ کوچک زبان پهلوی. ترجمه مهشید میرفخرایی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۹. معین، محمد. ۱۳۸۸. مزدیسنا و ادب پارسی. جلد دوم، بهره ۷- ناصر خسرو. تهران: دانشگاه تهران. ۱۹۱-۱۹۴
۲۰. میرفخرایی، مهشید. (ترجمه) ۱۳۹۰. روایت پهلوی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲۱. همو. (ترجمه) ۱۳۹۳. بررسی دینکرد ششم. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲۲. ناصر خسرو قبادیانی. ۱۳۹۳. دیوان اشعار حکیم ناصر خسرو قبادیانی. تصحیح

